

جزوه درس اول دوازدهم مشترک

تهیه کننده: استاد مسیح خواه

کانال عربی کنکور دکتر مسیح خواه

@konkure_iran

سایت کنکور ایران دکتر مسیح خواه

www.Konkureiran.com

واژه نامه

العَصَبِ: پی	التَّجَنَّبُ: دوری کردن	أَحْضَرَ: آورد، حاضر کرد
العَظْمُ: استخوان (جمع: العِظَام)	(ماضی: تَجَنَّبَ / مضارع: يَتَجَنَّبُ)	الأَصْنَامُ: بتها «مفرد: الصَّئِم»
عَقَلَ: خرد ورزی کرد	حَرَّقَ: سوزاند	أَعَانَ: یاری کرد
عَلَّقَ: آویخت	الحَظُّ: بخت (جمع: الحُطُوظ)	(مضارع: يُعِينُ / امر: أَعِنْ °)
الفَّاسُ: تبر «جمع: الفُؤوس»	حَمَّلَ: تحمیل کرد	أَعْنَى: مرا یاری کن
القَرَابِينُ: قربانی ها «مفرد: القُرْبَان»	حَمَى: حمایت	أَقِمَّ وَجْهَكَ: روی بیاور
القرآن: خواندن	کرد (يَحْمِي / امر: اِحِم)	(ماضی: أَقَامَ / مضارع: يُقِيمُ)
قِيلَ: گفته شد	إِحْمِنِي: از من حمایت کن	أَنِرْ: روشن کن (أَنَارَ يُنِيرُ)
الْكَتِفُ، الْكِنْفُ: شانه «جمع: الأكتاف»	الْحَنِيفُ: یکتا پرست	الإنشراح: شادمانی
كَسَرَ: شکست	الدَّاءُ: بیماری = المَرَضُ	الأنشودة: سرود (جمع: الأناشيد)
ما يلي: آنچه می آید	السُّدَى: بیهوده و پوچ	بَدَّوْا يَنْتَهَمَسُونَ: شروع به پیج پیج کردند
المُجِيبُ: برآورنده	السَّلَامُ: صلح، آشتی	(ماضی: تَهَامَسَ / مضارع: يَتَهَامَسُ)
المَفْسَدَةُ: مایه تباهی	السَّيْرَةُ: روش و کردار، سرگذشت	البَسْمَاتُ: لبخندها (مفرد: البَسْمَةُ)
النُّقُوشُ: کنده کاری ها، نگاره ها	الشَّعَائِرُ: مراسم	البعث: رستاخیز
«مفرد: النُّقْشُ»	الصَّرَاعُ: کشمکش = التَّزَاعُ ≠ لَسَلَم	البنیان المَرصوص: ساختمان استوار
	الطَّيْنُ: گِل	

(قلمچی آزمون ۷ سال ۱۳۹۸)

۱- عین العبارة التي جاءت فيها كلمتان متضادتان:

- ۱) من الممكن أن تكون الأصنام من الخشب أو الحديد!
- ۲) «يا أيُّها النَّفس المطمئنَّة إرجعي إلى ربِّك راضية مرضية»
- ۳) على المُجيب أن يحترم السَّائل عندَ الإجابة عن المسائل!
- ۴) الموقفُ هو مكان وقوف السيَّارت و الحافلات!

پاسخ صحیح: گزینه ی ۳

(سایت لرنیتو/ طراح: مسیح خواه)

۲- عین الخطأ في ترجمة المفردات:

- ۱) تَهَامَسَ: تكلم الشخصان بصوت خفيف!
- ۲) الفأس: آلة ذات سنّ عريضة من الخشب و يد من الحديد يُحفرُ بها الأرض!
- ۳) انشَرَخَ: شَعَرَ بِفَرَحٍ وَ سُرورٍ كَبِيرٍ!
- ۴) السَّلَامُ: ضد الحرب و هو الصلح و الأمان!

پاسخ صحیح: گزینه ی ۲

۳- عین الخطأ في المُرادف أو المضادَّ للكلمات: (سایت لرنیتو/ طراح: مسیح خواه)

- ۱) التَّجَنَّبَ # التَّقَرَّبَ
- ۲) الصَّرَّاعَ # السَّلْمَ
- ۳) السَّدَى = البَعَثُ
- ۴) أَعْنَى = سَاعِدَنِي

پاسخ صحیح: گزینه ی ۳

«السَّدَى» به معنای بیهوده مترادف با «العَبَثُ» است نه البعث

۴- في أيِّ عبارة جاءت الكلمة الغريبة عن سائر الكلمات في المعنى: (سایت لرنیتو/ طراح: مسیح خواه)

- ۱) كتابات-نقوش-رسوم-تمائيل
- ۲) تديين-حنيف-عبادة-حجّ
- ۳) كتيف-عصب-عظم-لحم

٤) حَدِيدٌ-نُحَاسٌ-ذَهَبٌ-طِينَةٌ

پاسخ صحیح: گزینه ی ٤

در گزینه ی ٤ «طینة» به معنای گِل با بقیه متناسب نیست چون بقیه از فلزات هستند به جز این کلمه

قواعد

الحروف المشبهة بالفعل

حروف مشبّهة بالفعل حرفی هستند که بر سر جمله اسمیه وارد می شوند و در لفظ و معنای آن تغییراتی ایجاد می کنند.

الفخر بالأدب ← **إِنَّ** الفخر بالأدب

افتخار به ادب است ← همانا افتخار به ادب است.

به جدول زیر دقت کنید:

حروف مشبّهة بالفعل	معنا و کاربرد	مثال
إِنَّ : قطعاً، همانا، به درستی که، بی گمان	برای تأکید جمله به کار می رود.	إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ همانا بعضی گمانها گناه است.
أَنَّ : که، اینکه بِأَنَّ : زیرا، برای اینکه	برای ربط بین دو جمله بکار می‌رود.	قالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللهَ على كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ گفت می دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست.
كَأَنَّ : گویی، مانند مثل اینکه (برای تشبیه یا تردید هم به کار می روند)	گاهی برای تشبیه نیز به کار می‌رود. كَأَنَّ وَجْهَكَ قَمَرٌ: صورتت چون ماه است.	كَأَنَّ إِرْضَاءَ النَّاسِ غَايَةٌ لا تُدْرِكُ گویا خشنود داشتن همه مردم هدفی است که به دست آورده نمی شود.
لَكِنَّ : ولی، اما (حرف استدراک)	برای تکمیل پیام جمله ی ماقبل و رفع ابهام آن به کار می رود.	لَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ اما مردم خود بر خویشان ستم می کنند
لَيْتَ : کاش یا لیت: ای کاش (حرف تمنی: آرزو داشتن)	برای اموری به کار می رود که به تحقق آن امیدی نیست.	لَيْتَ النَّاسَ يَتَّحِدُونَ کاش مردم متحد شوند.
لَعَلَّ : شاید، امید است (حرف ترجی: امید داشتن)	برای اموری به کار می رود که به تحقق آن امیدواریم.	لَعَلَّ المُذْنِبَ يَتُوبُ إِلَى رَبِّهِ شاید گنهکار به سوی پروردگارش توبه کند.

چند نکته

۱- میتوان «إِنَّ» را در جمله ترجمه نکرد. و یا آن را «چه، چون، زیرا» ترجمه کرد. (معمولاً بعد از امر و نهی)



إِنَّ النَّمْلَ حَشْرَةٌ صَغِيرَةٌ
و لا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً
مورچه حشره کوچکی است.
گفتارشان نباید تو را اندوهگین سازد زیرا ارجمندی، همه از آن خداست.



۵- عین حرف من الحروف مشبهة بالفعل يفيد توكيد معنى الجملة؟

- (۱) لعل الطالب ناجح!
(۲) لكن أخاك ذوهمة عالية!
(۳) إن الله لا يضيع أجر المحسنين!
(۴) كأنهن الياقوت والمرجان!

۲- فعل مضارع بعد از آیت و لعل را معمولاً مضارع التزامی ترجمه می کنیم.



أَيُّتِ الْأَغْنِيَاءُ يُنْفِقُونَ الْمَالَ عَلَى الْفُقَرَاءِ: كاش ثروتمندان بر فقیران مال انفاق کنند.
لَعَلَّ شَبَابِنَا يَنْجَحُونَ فِي الْمَسَابِقَاتِ الْعِلْمِيَّةِ: امید است که جوانانمان در مسابقات علمی موفق بشوند.
۳- فعل ماضی بعد از آیت را با توجه به سیاق جمله ترجمه می کنیم. (ماضی استمراری یا ماضی بعید و یا ماضی التزامی)



أَيُّتِ الطَّالِبِ أَدْرَكَ قِيَمَةَ الْوَقْتِ: كاش دانش آموز قدر وقت را می دانست. (یا دانسته بود یا دانسته باشد)

۶- «لَيْتَ الْمُذْنَبِ تَابَ مِنْ أَعْمَالِهِ الْقَبِيحَةِ حَتَّى يَخْلَصَ نَفْسَهُ مِنْ عَذَابِ أَعْدٍ لِلظَّالِمِينَ!»:

- ۱) ای کاش شخص گناهکار از کارهای زشتش توبه کرده بود و خودش را از عذابی که برای ظالمان آماده کرده اند، رهایی میبخشید!
- ۲) امید است که گناهکار از اعمال زشت خود پشیمان شود تا خودش را از عذابی که برای ستمگران آماده گردیده است، رهایی بخشد!
- ۳) کاش گناهکار از کارهای زشتش توبه می کرد تا خودش را از عذابی که برای ظالمان آماده شده است، رهایی بخشد!
- ۴) آرزو می کنم که فرد گناهکار از کارهای زشت توبه کند تا از عذابی که برای ستمگران آماده می شود، رهایی یابد!

۷- عَيْنِ الصَّحِيحِ: ریاضی ۹۸

- ۱) لَيْتَنِي رَأَيْتُ جَمِيعَ الْكُتُبِ: کاش همه کتابها را ببینم!
- ۲) لَعَلَّ الْخَيْرَ قَدْ نَزَلَ عَلَيْنَا: شاید خیر بر ما نازل شود!
- ۳) لَيْتَ الْإِمْتِحَانَ قَدْ انْتَهَى! کاش امتحان تمام شود!
- ۴) لَعَلَّ الصَّبْرَ يُنْقِذُنَا! شاید پایداری نجاتمان دهد!

۸- يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

- ۱) خداوند برای مردم مثلی زده است، باشد که عبرت بگیرند!
- ۲) الله برای مردم مثلها را می زند شاید یادآور شوند!
- ۳) الله مثلهایی برای مردم می زند شاید پند بگیرند!
- ۴) خداوند مثلی برای مردم زده است باشد که متنبه شوند!

۹- عَيْنِ مَا لَا نَرْجُو وَقَوْعَهُ: سراسری زبان ۹۸

- ۱) لَعَلَّ الْفَوْزَ حَلِيفَكَ فِي الدُّنْيَا!
- ۲) كَأَنَّ الْخَيْرَ يَنْزِلُ عَلَيْكَ قَرِيبًا!
- ۳) لَيْتَ النَّجَاحَ يَتَحَقَّقُ فِي حَيَاتِكَ!
- ۴) يَدَّعِي أَنَّهُ كَرِيمٌ لَكِنَّ الْوَاقِعَ لَا يُؤَيِّدُ ذَلِكَ!

بیشتر بدانیم:

زمانی که به این، «ما» متصل شود در اینصورت معنای حصر پیدا کرده و (فقط، تنها) ترجمه میشود.



وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ

هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر می کند.

إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَاقِلٍ ثَابِتٍ

افتخار فقط به اندیشه ای ثابت است.

لا النافية للجنس

قبل از معرفی لای نفی جنس، مروری بر انواع لا داشته باشیم:

انواع لا

ترجمه	مثال	کاربرد	نوع لا
آیا مردم، شخص دروغگو را دوست دارند؟ نه	هَلْ يُجِبُّ النَّاسُ الْإِنْسَانَ الْكَاذِبَ؟ لا	بعد از جملات سؤالی با هَلْ یا أ	۱- لای جواب
آن را احدی جز خداوند نمی داند.	لا يَعْلَمُهَا أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ	قبل از فعل مضارع آمده آن را منفی میکند و تأثیری در ظاهر فعل ایجاد نمی کند.	۲- لای نفی مضارع
سربلندی را در مال طلب نکنید.	لا تَطْلُبُوا الْعِزَّةَ فِي الْمَالِ	قبل از فعل مضارع آمده، در انتهای آن تغییر ایجاد می کند.	۳- لای نفی
هیچ کاری همچون تحقیق نیست.	لا عَمَلٌ كَالْتَحْقِيقِ	قبل از اسم نکره (فتحه دار و بدون تنوین) آمده و به معنای «هیچ» است.	۴- لای نفی جنس



لای نهی در فعلهای غایب یا متکلم (اول شخص یا سوم شخص مفرد یا جمع) «نباید+مضارع التزامی» ترجمه می شود.

لا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

نباید مؤمنان، کافران را به دوستی بگیرند.

۱۰- عین الصّحیح عن نوع «لا» في العبارات التالية:

- ۱) (... رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ...) : ناهية / نافية للجنس
- ۲) لَا فُقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ وَلَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ : نافية للجنس / ناهية
- ۳) إَعْلَمُوا يَا أَوْلَادِي، لَا فَائِدَةَ فِي عِلْمٍ لَا يَسْتَفَادُ مِنْهُ فِي الْحَيَاةِ : نافية / ناهية
- ۴) لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ : ناهية / ناهية

ویژگیهای لای نفی جنس

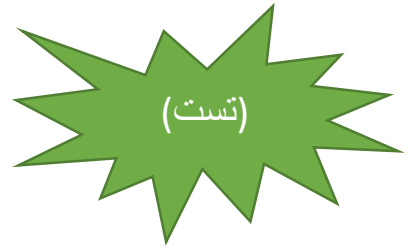
- ۱- بر سر جمله اسمیه می آید
- ۲- نکره (بدون ال)
- ۳- فتحه می گیرد بدون تنوین
- ۴- هیچ... نیست

- ۱- لای نفی جنس
- ۲- اسم بعد از آن
- ۳- حرکت اسم بعد
- ۴- معنای آن



لا فُقْرَ كَالْجَهْلِ وَ لَا مِيرَاثًا كَالْأَدَبِ

هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی همچون ادب نیست.



۱- «أصببت الشعوب المختلفة في دينهم بالخرافات على مرّ العصور، ولكنّ الأنبياء بيّنوا لهم الدّين

الحقّ!»: عمومی انسانی خارج ۹۸

(۱) در گذر زمان دین ملت‌های مختلف به خرافه‌هایی آمیخته شد، اما پیامبران آنها دین حق را برایشان بیان کردند!

(۲) ملل مختلفی دین‌هایشان به خرافه‌هایی در طول زمانها آمیخته گردید، ولیکن بیان دین حق، توسط پیامبران بود!

(۳) با گذشت عصرها، ملت‌های مختلف در دین خود دچار خرافات شدند، اما پیامبران دین حق را برای آنها روشن کردند!

(۴) ملت‌های مختلفی در دین خود، با گذر زمان دچار خرافه گردیدند، ولی پیامبران دین حق را برایشان آشکار می کردند!

۲- «لا قوّة تقدر أن تُقدّنا من خرافاتِ نَعيش معها إلاّ التفكّر!»: تجربی ۹۸

(۱) هیچ نیرویی که بتواند زندگی ما را از خرافه‌هایی که به آن زنده ایم، برهاند، جز اندیشه نیست!

(۲) جز تفکر، قدرتی نیست که قادر باشد ما را نجات دهد از اینکه با خرافات زندگی نمائیم!

(۳) فقط قدرت اندیشیدن است که می تواند ما را از خرافه‌هایی نجات دهد که با آن زنده ایم!

(۴) نیرویی که می تواند ما را از خرافاتی که با آن زندگی می کنیم، رها سازد، فقط تفکر است!

۳- «لا شيء أحسن من النقوش و الرسوم و التماثيل ليُشجّعنا إلى كشف الحضارات القديمة!»: ص ۲ و

۸ / هنر ۹۸

(۱) هیچ چیزی بهتر از نقوش و نقاشیها و مجسمه‌ها نیست برای اینکه ما را به کشف تمدن‌های قدیم

تشویق کند!

(۲) چیزی بهتر از نقوش و رسمها و تمثالها وجود ندارد که ما را به یافتن تمدن‌های قدیم ترغیب کرده باشد!

۳) هیچ چیزی نیست که بهتر از نقشها و نقاشیها و تندیسها ما را به کشف تمدنهای قدیم تشویق کند!

۴) چیزی نیست که ما را به کشف تمدنهای قدیم بهتر از نقوش و نقاشیها و تمثالها ترغیب کرده باشد!

۴- عین الصحیح (بالنظر إلى تأکید الجملة): ریاضی خارج کشور ۹۸

۱) إِنَّ الْفَخْرَ لِلْإِنْسَانِ الَّذِي لَهُ عَقْلٌ ثَابِتٌ: فخر برای انسانی است که بی گمان دارای عقلی ثابت است!

۲) إِنَّ وَعَاءَ الْعِلْمِ لَا يُضِيقُ بَكَلًّا مَا جُعِلَ فِيهِ: بطور قطع ظرف علم با هر آنچه در آن قرار داده شود، تنگ نمی شود!

۳) إِنَّ النَّاسَ يَمْرُونَ بِجَوَارِ الْأَشْجَارِ الَّتِي يَنْتَفِعُونَ بِهَا: مردم از کنار درختانی که از آنها سود می برند، قطعاً عبور می کنند!

۴) إِنَّ غُصُونِ بَعْضِ الْأَشْجَارِ تَتَكَسَّرُ مِنْ ثِقَلِ وَزْنِ ثَمَارِهَا: شاخه های برخی درختان از سنگینی وزن میوه هایش بدون شک شکسته می شود!

۵- عین الصحیح: ریاضی ۹۸

۱) لَيْتَنِي رَأَيْتُ جَمِيعَ الْكُتُبِ: کاش همه کتابها را ببینم!
نزل علینا: شاید خیر بر ما نازل شود!

۳) لَيْتَ الْإِمْتِحَانَ قَدْ أَنْتَهَى! كَأَشْ أَمْتِحَانَ تَمَامَ شُود! (۴) لَعَلَّ
الصَّبْرَ يُنْقِذُنَا! شاید پایداری نجاتمان دهد!

۶- «لَيْتَ الطَّلَابُ يَعْرِفُونَ أَنَّ الطَّالِبَ الْمُجْتَهِدَ يَقْدِرُ أَنْ يُعَوِّضَ قَلَّةَ اسْتِعْدَادِهِ بِالْإِجْتِهَادِ!»: اختصاصی انسانی خارج کشور ۹۸

۱) شاید دانشجویان بدانند که دانشجوی کوشا می تواند کم بودن استعدادش را با تلاش جبران نماید!
۲) ای کاش دانش آموزان بدانند که دانش آموز کوشا می تواند کمی استعدادش را با تلاش جبران کند!
۳) شاید دانش آموزان بفهمند که دانش آموز تلاشگر توانایی دارد که کم بودن استعداد را با تلاش جبران نماید!

۴) ای کاش دانشجویان می فهمیدند که دانشجوی تلاشگر توانمند است که کمی استعدادش را با تلاش جبران کند!

۷- «مَا يَزِيدُ صَبْرَنَا فِي أُمُورٍ لَا طَاقَةَ لَنَا بِهَا، هُوَ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ!»: عمومی انسانی داخل ۹۸

- (۱) آنچه صبر ما را در اموری که هیچ توانی برای آنها نداریم، می افزاید، همان ایمان به الله است!
- (۲) صبر ما در کارهایی که طاقتش در ما نیست، زیاد نمی شود، بلکه آن در ایمان به الله است!
- (۳) صبر در کارهایی که توان آنها در ما نیست قدرت ما را زیاد نمی کند، بلکه آن ایمان به خداست!
- (۴) چیزی که صبر ما را می افزاید، اموری است که هیچ طاقت آن را نداریم که همان ایمان به خداست!
- ۸- «كُلُّ النَّاسِ سِوَاءٌ وَ مَا هُمْ سِوَى لَحْمٍ وَ عِظْمٍ وَ عَصَبٍ لَأَمٍّ وَ لَأَبٍ، وَ الْجَهَّالُ يَفْتَخِرُونَ بِنَسَبِهِمْ!»:
- ص ۱۱ / اختصاصی انسانی داخل ۹۸

- (۱) همه مردم برابرند و جز گوشت و استخوان و پی از یک پدر و مادر نیستند، در حالی که نادانان به نسب خود افتخار می کنند!
- (۲) همه مردم با هم برابرند و چیزی جز گوشت و استخوان و پی از پدر و مادرشان نیستند، حال آنکه نادان مفتخر به نژاد خود است!
- (۳) مردم همگی با هم برابرند و جز گوشت و استخوان و عصبی از پدر و مادرشان نیستند، اما نادان به نسب خود فخر می فرورد!
- (۴) مردم همگی یکی هستند از گوشت و استخوان و عصب و از یک پدر و مادر، اما نادانان به نژاد خود افتخار می کنند!

۹- «كاش همه شهرهای کشورم را می دیدم»: ریاضی خارج کشور ۹۸

- (۱) لعنني أشاهد مدن بلادي جميعاً!
- (۲) ليتني أنظر كلّ المدن في بلادي!
- (۳) لعلي كنت أنظر مدن بلادي كلّها!
- (۴) ليتني كنت أشاهد جميع مدن بلادي!
- ۱۰- عين الصحيح في الجزء الذي قد أُكِّد: هنر ۹۸

- (۱) إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ! (الله)
- (۲) إِحْمِنِي مِنَ الْحَادِثَاتِ حَمَايَةً! (ضمير الياء)
- (۳) حَذَّرْتَنِي تَجَارِبُ الْحَيَاةِ تَحْذِيرًا! (تجارب الحياة)
- (۴) إِنَّ الْعِلْمَ يَرْفَعُ الْإِنْسَانَ وَ يُكْرِمُهُ! (الجملة بأجمعها)

١١- عَيْنَ مَا لَا نَرْجُو وَقُوعَهُ: زِيَان خَارِجُهُ ٩٨

- (١) لَعَلَّ الْفَوْزَ حَلِيفَكَ فِي الدُّنْيَا!
(٢) كَأَنَّ الْخَيْرَ يَنْزِلُ عَلَيْكَ قَرِيبًا!
(٣) لَيْتَ النَّجَاحَ يَتَحَقَّقُ فِي حَيَاتِكَ!
(٤) يَدَّعِي أَنَّهُ كَرِيمٌ لَكِنَّ الْوَاقِعَ لَا يُوَيِّدُ ذَلِكَ!

١٢- عَيْنَ مُضَارِعًا لَيْسَ مُعَادِلًا لِلتَّزَامِيِّ الْفَارْسِيِّ: رِيَاضِي ٩٨

- (١) أَمْرُنَا بِأَنَّ لَانْغَضِبَ، وَلَكِنَّا نَغْضَبُ، وَ هَذَا الْأَمْرُ شَائِعٌ بَيْنَنَا!
(٢) لَعَلَّ الْإِنْسَانَ يَعْرِفُ الْحَضَارَاتِ مِنْ خِلَالِ الْكُتَابَاتِ وَ التَّمَاثِيلِ!
(٣) كَأَنَّ هَذَا الْجَبَلَ أَعْلَى مِنْ بَقِيَّةِ الْجِبَالِ، لَيْتَنِي أَصْعَدُ إِلَى رَأْسِهِ!
(٤) لَيْتَنَا نَقْرَأُ آرَاءَ عِدَّةٍ كُتَّابٍ حَوْلَ هَذَا الْمَوْضُوعِ لِنَأْخُذَ نَتِيجَةَ صَحِيحَةٍ!

١٣- عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنِ «لَا» النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ: رِيَاضِي ٩٨

- (١) لِأَحْيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ إِلَّا لِعَقْلِ ثَابِتٍ!
(٢) لَا الْعِزَّةَ إِلَّا لِرَبِّنَا الرَّحِيمِ الَّذِي لَهُ كُلُّ شَيْءٍ!
(٣) لَا أَتَذَكَّرُ زَمَانَ ذَهَابِنَا إِلَى تِلْكَ الْجَوْلَةِ الْعَلْمِيَّةِ!
(٤) لِأَشْعَبَ مِنْ شُعُوبِ الْعَالَمِ إِلَّا وَ لَهُ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ!

١٤- عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنِ «لَا» النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ: اخْتِصَاصِي انْسَانِي خَارِجُ كَشُورِ ٩٨

- (١) لَا الْيَوْمَ كَيَوْمِ الْبَعْثِ، لَا نَعْلَمُ أَسْرَارَهُ!
(٢) لَا فَقْرًا أَسْوَأَ مِنَ الْجَهْلِ، يَفْنِي عَمْرُنَا!
(٣) لَا فَصْلُ كَالرَّبِيعِ، الْأَشْجَارُ فِيهِ نَضْرَةٌ!
(٤) لَا قُدْرَةَ أَقْوَى مِنَ الْعَقْلِ لِحَلِّ مَشَاكِلِنَا!

١٥- عَيْنَ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَكْمَلُ جَمَلَةً مَا قَبْلَهَا: تَجْرِبِي ٩٨

- (١) إِنَّ الْعِلْمَ أَحْسَنُ مِنَ الْمَالِ ،
(٢) نَعْلَمُ أَنَّ لِلْعَالَمِ أَصْدِقَاءَ كَثِيرِينَ ،
(٣) وَلَكِنَّ لِصَاحِبِ الْمَالِ أَعْدَاءَ كَثِيرِينَ ،
(٤) هَذَا هُوَ الْفَرْقُ بَيْنَ الْعِلْمِ وَ الْمَالِ!

١٦- عَيْنَ الْخَطَأِ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ: هُنْرُ ٩٨

- (۱) أمرُهُمُ ذُو الْقَرْيَينِ بِأَنْ يَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَ النُّحَاسِ!
 (۲) مَنْ لَا يَسْتَمَعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْسُبُ فِي الامْتِحَانِ!
 (۳) عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ (ع) الفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أصْغَرِ الأصْنَامِ!
 (۴) أَتَذَكَّرُ خِيَامَ الحُجَّاجِ فِي مِنَى وَ عَرَفَاتِ وَ رَمِي الْجَمْرَاتِ!
 ۱۷ - عَيْنِ الخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الكَلِمَاتِ: زِيَان خَارِجِه ۹۸

- (۱) لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهِدُوا أصْنَامَهُمْ مُكْسِرَةً!
 (۲) الكَأْسُ زُجَاجَةٌ يُشْرَبُ فِيهَا المَاءُ أَوْ الشَّايُ أَوْ القَهْوَةُ!
 (۳) إِزْدَادَتْ هَذِهِ الحُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ العُصُورِ!
 (۴) قَرَّرَ أَرْبَعَةُ طُلَّابٍ أَنْ يَغِيبُوا عَنِ الامْتِحَانِ فَاتَّصَلُوا بِالأُسْتَاذِ!

۱۸ - « لَا شَكَّ أَنْ كَيْفِيَّةَ اسْتِعْمَالِ الأعْشَابِ الطَّبَّيَّةِ عِنْدَ الحَيَوَانَاتِ الصَّحْرَاوِيَّةِ وَ الطَّيُورِ، قَدْ سَاعَدَتْ
 الإِنْسَانَ فِي صُنْعِ الأَدْوِيَةِ! » عَمُومِي انْسَانِي ۹۹

- (۱) چگونگی بکار گیری گیاهان طبی نزد حیوانات صحرائی و پرندگان، بدون شک به انسان در ساختن داروها کمک کرده است!
 (۲) چگونگی بکار گرفتن گیاهان پزشکی در حیوانات بیابانی و پرندگان، بلاشک به انسان در ساختن داروها کمک کرده بود!
 (۳) بدون شک نحوه کاربرد گیاهان دارویی نزد حیوانات و پرندگان صحرائی، به انسان در پیدایش داروها یاری رسانده است!
 (۴) بلاشک نحوه کاربرد گیاهان پزشکی در حیوانات و پرندگان بیابانی به انسان برای ایجاد داروها یاری رسانده بود!

۱۹ - عَيْنِ الخَطَا : اِخْتِصَاصِي انْسَانِي دَاخِل ۹۹

- (۱) اِكْرَهَ الجُرْمِ وَ لَا تَكْرَهَ المُجْرِمَ ، : جَرْمِ رَا زَشْتِ بَدَارِ وَ مَجْرَمِ رَا نَاطِسْنَدِ مَشْمَارِ ،
 (۲) لَا بَأْسَ فِي أَنْ تَدْرِسَ القَوْلَ وَلَكِنْ اِحْتَرَمِ القَائِلَ ، : هَيْجِ اشْكَالِي نَيْسْتِ دَرِ اَيْنَكِهْ كَفْتَارِ رَا بَرْرَسِي كُنِي
 وَ لِي كُوبِنْدِهْ رَا اِحْتِرَامِ كُنِ ،

۳) عليك أن ترحم العاصيَ ولكن تُسخطك المعصيةُ ، : تو باید بر عصیانگر رحم کنی ولی از معصیت خشمگین می شوی،

۴) فإنَّ مهمَّتكَ أن تتعلَّبَ على المرض لا على المريض ! : زیرا مأموریت تو این است که بر بیماری غلبه کنی نه بر بیمار!

۲۰- عین الصَّحیح: عمومی انسانی خارج ۹۹

۱) إني قد قبلتُ مسؤوليةَ إطفاء مكيف الهواء بعد أن تفرغَ المكتبةُ من الطَّلاب: من مسؤوليت خاموش کردن کولر را بعد از خالی شدن کتابخانه از دانش آموزان، پذیرفته ام!

۲) يتلو هذا الطَّالبُ القرآنَ كلَّ يوم في الاصطفاف الصَّبَاحي: این دانش آموزی است که هر روز در صف صبحگاهی قرآن می خواند!

۳) إن نصلُ إلى النَّجاح في بداية الأمر فلا معنى للسَّعي: اگر در ابتدای کار موفق می شدیم تلاش مفهومی نداشت!

۴) لما جاءتني أمي بالطعام شكرتها كثيرًا: وقتی مادرم همراه با غذا بیاید، از او بسیار تشکر می کنم!

۲۱- عین الصَّحیح: اختصاصی انسانی خارج ۹۹

۱) بعضُ النَّاس من نُهاة الأعمال السيئة دائماً: بعضی از مردم از نهی کنندگان کارهای بدِ همیشگی هستند!

۲) ولكنَّ كثيرًا من الشَّباب لا يُحبُّونَ أمرهم و نهيمهم: ولی جوانان، بسیاری از امر و نهی آنان را دوست ندارند،

۳) و يريدون أن يصلوا هم أنفسهم إلى نتيجة أعمالهم: و می خواهند که آنها خودشان به نتیجه کارهایشان برسند،

۴) نعم، قد يصلون إلى النتيجة ولكن مع خسارة لا تُعوَّض!: آری، قطعاً به نتیجه می رسند اما با خسارتی که جبران نمی شود!

۲۲- عَيْنَ الْخَطَا: اختصاصی انسانی خارج ۹۹

(۱) إِنَّ الصَّبْرَ عَلَى مَا أَصَابْنَا، يَجْعَلُنَا مِنَ الصَّابِرِينَ: آن صبر که در مصائب به ما دست می دهد، ما را از صابران می گرداند!

(۲) إِنَّهُ الطُّفْلَ الَّذِي يَقْتَرِبُ مِنَ النَّارِ وَ لَا يَعْرِفُ حَظَرَ ذَلِكَ: کودکی را که به آتش نزدیک می شود و خطر آن را نمی داند نهی کن!

(۳) تَصْغِيرُ الْخَذِّ عِنْدَ الْغَضَبِ عَلَامَةٌ مِنْ عِلَائِمِ الْمَعْجَبِينَ بِأَنْفُسِهِمْ: روی بر گرداندن چهره هنگام خشم علامتی از علامتهای خود پسندان است!

(۴) إِذَا نَشَاءُ أَنْ تَعْمَرَ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِنَا فَعَلِينَا أَنْ نَكُونَ مُتَوَاضِعِينَ: هرگاه بخواهیم که حکمت در قلبمان ماندگار شود بر ما است که متواضع باشیم!

۲۳- عَيْنَ الْخَطَا: ریاضی ۹۹

(۱) تُعِينِنِي الْمَعْلَمَةُ فِي الدَّرُوسِ الصَّعْبَةِ إِعَانَةً: معلم مرا در درسهای مشکل بدون شک یاری می کند!

(۲) إِنَّ الْعُلُومَ النَّافِعَةَ تُثِيرُ عَقْلَ الْإِنْسَانِ وَ قَلْبَهُ: قطعاً علوم سودمند عقل انسان و قلبش را روشن می کند!

(۳) سِيْمَاءُ اللَّهِ جَمِيعَ نَوَاحِي الْأَرْضِ سَلَامًا شَامِلًا: خداوند همه نواحی زمین را از صلحی فراگیر پر خواهد کرد!

(۴) رَبَّنَا هُوَ الَّذِي يَحْمِينَا مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ دَائِمًا: خدای ما کسی است که در پیشامدهای بد همواره نگهدار ماست!

۲۴- عَيْنَ الْخَطَا: هنر ۹۹

(۱) الْعِلْمُ إِنْ لَمْ يَنْفَعْنَا لَا يَضُرُّنَا: علم اگر به ما نفع نرساند ضرر نمی رساند!

(۲) إِنَّمَا الدِّينُ إِطَارٌ لِلْعِلْمِ وَ الْحَضَارَةِ: دین چارچوبی برای علم و تمدن است!

(۳) التَّفَكُّرُ هُوَ الدَّوَاءُ لِدَفْعِ سُومِ الْخِرَافَاتِ: فکر کردن همان دارو است برای دفع کردن سموم خرافات!

(۴) الْفَضْلَاءُ شَخْصِيَّتُهُمْ أَقْوَى مِنْ أَنْ يُقْلَدُوا الْجُهْلَاءَ: فاضلان شخصیتشان قویتر از این است که از جاهلان تقلید کنند!

۲۵- «هناك لا انسان بدون خطأ ، ولكنه يفشل عندما يعد نفسه عالماً يعرف كل شيء!»: زیان

خارج ۹۹

۱) هیچ انسانی نیست که خطا نکند ، ولی هنگامی که خود را دانای همه چیز بشمار آورد، شکست خواهد خورد!

۲) انسان بدون اشتباه ، هیچگاه وجود ندارد ، اما او می بازد هرگاه خود را دانایی فرض کند که هر چیزی را می دانسته است!

۳) هیچ انسانی بدون خطا وجود ندارد ، ولی زمانی که خودش را عالمی بشمار آورد که همه چیز را می داند ، شکست می خورد!

۴) انسان هیچگاه بدون اشتباه نیست ، اما زمانی می بازد که نفس خود را عالمی به حساب آورد که بر هر چیزی آگاه است!

۲۶- عین الصحيح: زیان خارجه ۹۹

۱) أفضل سلاح المرء كلامه و كآته حسام: بهترین سلاح انسان کلامی است که چون شمشیر می باشد!
۲) عين البومة ثابتة و هي لا تقدر أن تدیر إلا رأسها: چشم جغد ثابت است و فقط سر آن حرکت می کند!

۳) هناك عُشٌّ صغير فوق تلك الشجرة المرتفعة لا فرخ فيه: بالای آن درخت بلند آشیانه کوچکی هست که هیچ جوجه ای در آن نیست!

۴) طُلب من الطلاب أن یأتوا بوالديهم يوم الخميس إلى المدرسة: از دانش آموز خواست که روز پنجشنبه با والدین خود به مدرسه بیایند!

۲۷- ﴿ يَقول الكافر يا ليتني كنت تُرابًا ﴾: عمومی انسانی خارج کشور ۹۹

۱) کافر می گوید کاش از خاک بودم!
بودی!

۳) کافر گوید: ای آرزوی من کاش تو از خاک بودی!
۴) کافر می گوید ای کاش خاک بودم!

۲۸- عین حرف المشبه بالفعل یختلف (في المعنى): زیان خارجه ۹۹

۱) قد جاء في التاريخ أنّ إبراهيم (ع) أنقذ قومه من عبادة الأصنام!

۲) أيها الإنسان لا تحزن على ما فاتك ، إنّ اليأس يُبعدك من الله!

٣) أ يظنّ الإنسان أنّ الله يتركه سدّى و وحيداً!

٤) إلهنا و ربّنا نعلم أنّك مع عبادك دائماً!

٢٩- عيّن ما يدلّ على نفي الشيء نفيّاً كاملاً : رياضى وتجربى خارج ٩٩

١) لا خير في الكذب! (٢) لا، أنت لا تكذب!

٣) لا شرّ أريد و لا فتنة! (٤) لا الكذب أرغب فيه و لا الغيبة!

٣٠- عيّن المناسب للفراغين من الحروف المشبّهة بالفعل: عمومى انسانى خارج ٩٩

«..... صديقي يستشير الأستاذ له يفيد في الحياة!»:

١) أنّ / لعلّ (٢) لكنّ / ليت (٣) ليت / لعلّ (٤) أنّ / لكنّ

٣١- عيّن حرف «لا» يختلف في النوع و المعنى: عمومى انسانى خارج ٩٩

١) إنّنا لا نُحبّ أن نستمع إلى كلام ليس له فائدة!

٢) لا محاولة هناك دون نتيجة و سيرى الإنسان ثمرتها!

٣) لا يبتعد العباد المؤمنون عن الصّراط المستقيم إن شاء الله!

٤) اليوم لا تطبخ أمي طعاماً في البيت لأنّها قد طبخته من قبل!

٣٢- عيّن الصّحيح في عمل الحروف المشبّهة بالفعل و الأفعال الناقصة: عمومى انسانى داخل ٩٩

١) إنّ في الصدق نجاهٌ كنا راغبين فيها! (٢) كنا سامعاتٌ حين أمرنا ألا نكون متكاسلات!

٣) إنّ الساعي في الخير كان مكرّم عند النّاس! (٤) لسنا فاشلين في الحياة لأنّنا ساعون في عملنا!

٣٣- عيّن الصّحيح عن «لا» النافية للجنس: اختصاصى انسانى خارج كشور ٩٨

١) لا اليوم كيوم البعث، لا نعلم أسرارها!

٢) لا فقراً أسوأ من الجهل، يفني عمرنا!

٣) لا فصلٌ كالربيع، الأشجار فيه نضرة!

٤) لا قدرة أقوى من العقل لحلّ مشاكلنا!

٣٤- «لادين للمتّلون و إن ألقاك في الخطأ و تظاهر بكمال ديانتته» سراسرى هنر ٩٢

۱) کسی که چند رنگ است دینی ندارد حتی اگر به بی نقصی خود تظاهر کند و تو را به اشتباه بیفکند!

۲) هیچ دینی ندارد آن کس که دو رنگ است و به کمال دینداری^۳ش تظاهر کرده و باعث اشتباه تو شود!

۳) انسان دورو هیچ دینی ندارد، اگرچه تو را به اشتباه بیفکند و به کامل بودن دیانتش تظاهر کند!

۴) آن که دورو است دین ندارد، هر چند ظاهری با دین و بی نقص نشان دهد و تو را به خطا اندازد!

۳۵- عین لا النافية للجنس:

۱) ألا لك عمل آخر! (۲) الليلة لا نجم في السماء!

۳) لأرى التجارة أنفع من إكتساب العلم (۴) لا تنمو الزهور إلا في حدائق ذات البهجة

۳۶- عین الخطأ فی نوعية «لا»: سراسری خارج ۹۵ باتغییر

۱) هذه سنة قد جعلها بأنه لا تقدم مع الجهل (نافية)

۲) لا نتوقع الخير إلا من كد يميننا وفضل ربنا (نافية)

۳) لا تطلب الأمة المتكاسلة التقدم و التّجّاح (ناهية)

۴) قلتُ لزميلتي: لا شك في انتصار الحق! (نافية للجنس)

۳۷- عین عبارة ما جاء فيها فعل مضارع للنهي:

۱) يا طالبُ، لا تلعب في الصف!

۲) إلهي، لا تجعلنا مع القوم الظالمين!

٣) لا تشربى شايًا حارًا يا بنتي!

٤) أنتِ لا تخرُجينَ مِنَ المَدْرَسَةِ!

(سنجش انسانی آبان ٩٧)

٣٨- إملأ الفراغ بما يصبح في مفهوم الاستمرار:

«أليت مدير إدارتنا..... من بداية ورودك!»

٤) كان قد عرّفك

٣) مُعرّفك

٢) عرّفك

١) يُعرّفك